



نفری که خدمت ایشان رسیده بودند، دیده بوسی کرد و گفت: خب مامی رویم خدمت این جوانها! همین که استاده خود رابه سمت آنها تغییر داد. همه آنها که یک کاروان دانشجویی دانشگاه صنعتی شریف بودند، از جا بلند شدند و به سمت آقای قرائتی آمدند. حاج آقا همان جابین جوانان دانشجوینشست و حلقه معرفت تشکیل داد. در حالی که قرار بود مابه زیارت برویم و بعد در مهمانسرای حضرت غذا صرف کنیم. حاج آقا از من پرسید: آقای هوشنگی! چند تافیش غذا داریم؟ آن را بده به این جوانها تا مهمان حضرت باشند. سوالات آن جوانان در محور نماز و آرایش جوانان بود. حاج آقا با همان روحیه شوخ طبعی به همه سوالات آنان جواب داد و در آخر با آنها عکس یادگاری انداخت.

### ظرافت های بر خور د با بانوان

خانمی در حرم مراجعه کرد و گفت می خواهم آقا از همسر م طلاق بگیرم. در آغوش آن خانم بچه کوچکی بود. حاج آقا از او پرسید: این بچه توست؟ جواب داد: بله! گفت: حیف این بچه نیست که می خواهی طلاق بگیری؟! و بعد شروع کرد به نصیحت کردن که باید همسرت را آرام کنی و با زبان خوش او را به زندگی برگردانی، هر اندازه که مرد دشمن باشد، زن می تواند بانرم زبانی و محبت او را به زندگی برگرداند. سپس خاطره ای نقل کرد که در یک برنامه تلویزیونی موضوع خود کشی را مطرح کردم. همزمان با پخش برنامه، خانمی در یکی از شهر ها قصد خود کشی داشته به طبقه بالا می رود و طناب دار آماده می کند. او برای اینکه صدایی به طبقه پایین نرسد تلویزیون را روشن می کند و صدای آن را زیاد می کند. اتفاقاً همان لحظه من به مخاطب خود می گفتم که این کار را نکن. آقا! خانم! خود کشی نکن! آن خانم تلنگری خورد و منصرف شد. آن خانم در دیداری این ماجرا را برای آقای قرائتی نقل کرده است. نکته دیگر در مر او ده با خانم های مراجعه کننده این بود که اگر خانمی حجاب مناسبی نداشت، ایشان بر خور دسلبی نداشت. ابتدا حرف او را گوش می کرد و بعد غیر مستقیم نکاتی را به آنها متذکر می شد. سبک امر به معروف و نهی از منکر آقای قرائتی به گونه ای است که کسی از حرف ایشان دلخور نمی شود، کارش را خوب بلد است.

جوانان نشوید. ایمان برای ازدواج جوانان را اصل مهم می داند. خاطر م هست، در یک مراجعه خطاب به پدر دختر خانمی گفت خودت اول از دواج شغل داشتی؟، پدر دختر گفت: نه! حاج آقا گفت: پس چرا مانع می شوی؟ استدلال ایشان در موارد بسیاری حلال مشکل از دواج جوانان بود. در موردی محل بحث دو خانواده تعداد سکه برای مهریه بود. دختر و پسر با هم به آقای قرائتی مراجعه کردند. استاد با هر دو خانواده صحبت کرد و هر دو خانواده قانع شدند که با تعداد سکه کمتر به ازدواج آن دو جوان رضایت دادند. نکته دیگر در خواندن خطبه عقد بود. حاج آقا خطبه عقدی را می خواند که قبلا ثبت شناسنامه شده باشد. چند مورد در رواق شیخ طوسی عقد بالا سر حضرت خواندند اما به شرط مهریه کم و ثبت شناسنامه! چون می گفت: حوصله داد گاه و پاسگاه ندارم که شهادت بدهم که فلان تاریخ من عقد خوانده ام!

### کادر سازی دغدغه مندانه

آقای قرائتی به مامی گفت: اگر در کارهای تبلیغی خود را گرفتار کارهای کاغذ بازی اداری کردید، هیچ کاری پیش نمی رود. درباره ستاد اقامه نماز یا کات و سایر امور دینی ما شاهد بودیم که ایشان تبحر خاصی در تیم سازی دارد. آقای قرائتی برای هر یک از اموری که در پیش می گیرد علاوه بر استفاده از بر نند قرائتی، سراغ افرادی می رود که دغدغه کار دینی داشته باشند. مثلاً در بحث زکات نقل می کرد که در محفلی آقای کا زرونی موضوع زکات را مطرح کرد. من هم یادداشت کردم. بعد ا به او زنگ زدم و گفتم یادت هست که درباره مساله احیای زکات فلان مساله را نقل کردی؟، گفت: بله! گفتم: شما و همه کسانی که در

### تلاش برای و صلت جوانان

یکی از کارهای خوبی که آقای قرائتی برای مخاطب جوان خود انجام می داد، این بود که اگر مانعی بر سر راه ازدواج آنها بود، تلاش می کرد که بر طرف کند. دختر خانمی مراجعه کرد که من به شخصی علاقه دارم و خانواده اجازه ازدواج نمی دهند. یا پسری مراجعه کرد که من دختری را دوست دارم و چون شغل و پولی ندارم به من دختر نمی دهند. موارد بسیاری بود که حاج آقا همانجا با خانواده مراجعه کننده تماس تلفنی برقرار می کرد و نسبت به ازدواج آنها پادر میانی می کرد و تلاش داشت که و صلت آنها سر بگیرد. حاج آقا حرفش این بود که اگر جوانی که به خواستگاری آمده، مساله اعتقادی و اخلاقی ندارد، اینکه شغل یا خانه ندارد در ابهانه نکنید و مانع ازدواج